

بررسی نظریه آیت الله جوادی آملی در خصوص خلقت کنونی بهشت و جهنم

پدیدآورنده: شهلا طوماری

چکیده:

مسئله مخلوق بودن بهشت و جهنم و لوازم آن که در این تحقیق از منظر آیت الله جوادی آملی مورد بررسی واقع شده، از جمله مباحثی است که از قدیم الایام در میان عالمان فیلسوف و متکلم مورد بحث بوده است. این مسئله باینکه از طریق نقل وارد شده، ولی می توان آن را از جمله مباحث کلامی و اعتقادی در بخش معاد که از اصول دین است به شمار آورد، چرا که غفلت در مورد معاد و مسئله قیامت، غفلت در خصوص بهشت و جهنم را نیز در پی دارد. بهشت و جهنم، موجودی خارجی و حقیقی اند و تمام عناصر محوری آنها را انسان در دنیا تهیه می کند و تبدیل شدن آن عناصر به صورت بهشت و جهنم به قدرت خداوند متعال است. از بحث های مربوط به خلقت کنونی، بحث روحانی و جسمانی بودن بهشت و جهنم است، که مسئله وجود نعمت ها و نعمت های روحی و جسمی را در پی خواهد داشت. از اهدافی که در این تحقیق دنبال می شود، پاسخ گویی به سوالات زیر است: نظر آیت الله جوادی آملی در ارتباط با خلقت بهشت و جهنم چیست؟ چگونه می توان وجود نعمت های روحانی و جسمانی را در بهشت و جهنم ثابت کرد؟ چرا بهشت و جهنم از نظر ابواب با هم متفاوت هستند؟ درجات و درجات بهشت و جهنم چگونه می باشد؟ منظور از وسعت و گستردگی بهشت و جهنم چیست؟ و....

پژوهش حاضر باروش توصیفی و تحلیلی از مطالب جمع آوری شده از آثار آیت الله جوادی آملی، دیدگاه ایشان را مورد بررسی قرار داده است. با نظریه بررسی های انجام شده می توان دریافت که، ایشان برخلاف نظر عده ای از متکلمان مبنی بر عدم خلقت کنونی بهشت و جهنم، عقیده بر موجود بودن فعلی آنها و مخلوق بودن بهشت و جهنم دارند. نه تنها موجودند بلکه به انسان نزدیک می باشند و اینکه حقیقت انسان را بهشت و جهنم تشکیل می دهد و هم اکنون انسان در جهنم یا بهشت به سر می برد. وجود این دویه خاطر عدم وجود عناصر مادی، فوق این نظام دنیوی است و نمی توان آنها را در آسمان این جهان مادی فرض کرد.

واژگان کلیدی: جوادی آملی، بهشت، جهنم، خلقت، خلود.

طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، حوزه علمیه خواهران نورالزهراء.

ایمیل: sh.tuomary@chmail.ir

شماره تماس: ۰۹۳۶۱۷۷۹۳۶۱

جهان بزرگی که اعماقش ناپیداست و سرای وسیعی که درعین وجود، قدم انسان بدان جانرسیده، باعجاب و شگفتی فراوانی همراه است. معاد، جهان شهود و عین و حضوریست ولی اکنون دیوار بلند دنیا و حجاب شدن آن، مانع از دیدگان بشر است که عالم شهود و واقعی را مشاهده کند البته به استثنای عده ای خاص. معاد پایان جهان و آغاز حیات جاوید و جاودانگی و خلود است. از گزاره های عمده جهان قیامت، مسئله بهشتیان و دوزخیان و نعمت های بهشتی و نعمت های دوزخی و در نهایت بحث جاودانگی و خلود است. نباید تصور کرد که بهشت و جهنم از انسان جداست، بلکه به مجرد مردن، پرده ها کنار می رود و انسان خود را در بهشت یا جهنم می بیند که برای او آماده شده است. برای بهشت و جهنم، مکانی که باین جهان مادی در تراحم باشد، وجود ندارد. وجود نعمت ها، عذاب ها و... به صورت جسمانی و روحانی، بخاطر این است که انسان حقیقتی است مرکب از روح و جسم و همین حقیقت هم از دنیا به سرای آخرت می رود. بنابراین علاوه بر نعمت های روحانی، نعمت های جسمانی را هم بر طبق طبع خود طلب می کند، همان طور که از ناحیه عقاب، پاره ای از عذاب ها، قلب را می سوزاند و پاره ای دیگر پوست بدن را.

قرآن در وصف بهشت و جهنم، به بیان آن دسته از مطالبی که برای همگان قابل درک است، پرداخته و باین نمونه هایی که در این جهان وجود دارد مطلب را نزدیک ساخته است، وگرنه نظام آخرت با نظام دنیایی تفاوت اساسی دارد. هدف اصلی در این تحقیق بررسی دیدگاه آیت الله جوادی آملی در ارتباط با مسئله خلقت کنونی بهشت و جهنم است. مطالب حول این مسئله به صورت توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته و سوالات مربوط به آن پاسخ داده شده است از جمله این سؤالات می توان به ۱. چرا بهشت و جهنم از نظر ابواب و درجات باهم در یک مرتبه نیستند؟ ۲. منظور از خازن و کلید دار بهشت و جهنم چیست؟ ۳. چرا در جهنم مرگ وجود ندارد؟ ۴. و اگر بهشت جسمانی است، پس جایگاه آن کجاست؟ ۵. منظور از خلود بهشتیان در بهشت و خلود اهل دوزخ در جهنم چیست؟ اشاره کرد. از تحقیقات انجام شده در ارتباط با این موضوع می توان به یک پایان نامه با عنوان (حقیقت بهشت و جهنم در حکمت متعالیه) که توسط خانم یآوری، دانشگاه باقر العلوم، در سال ۱۳۹۲ به رشته تحریر درآمده است که در آن دیدگاه ملا صدرا و علامه و آقای جوادی آملی مورد مقایسه قرار گرفته است، اشاره کرد و یک مقاله هم به صورت مختصر اشاره به مساله بهشت و جهنم دارد با عنوان (مقایسه دیدگاه ابن عربی و ملا صدرا درباره ماهیت بهشت و جهنم) که توسط آقایان رسولی و عبداللهی در تابستان ۱۳۸۸ انجام گرفته است را می توان نام برد. منابع و متون مورد استفاده در این مقاله عمدتاً از آثار آیت الله جوادی آملی مانند: تفسیر تسنیم، معاد در قرآن، توحید در قرآن و... می باشد و از سایر منابع می توان: بحار الانوار، تفسیر نور الثقلین و... را نام برد.

۱. معنای بهشت و جهنم:

واژه جهنم را برخی فارسی دانستند که اصل آن «گهنام» به معنای چاه بسیار گود و ژرف است. برخی نیز آن را عبری شمرده که از «جهینون» گرفته شده است. جهنم به معنای «دوزخ» در فارسی است: «دوژنگه».

قرآن از دوزخ به نام‌های گوناگون یاد کرده که هر نام ویژگی خاص آن را نشان می‌دهد. اما بیشترین آنها «جهنم» است. این واژه ۴۸ بار در سوره‌های مکی و ۲۹ بار در سوره‌های مدنی، و جمعاً ۷۷ بار در قرآن تکرار شده است. نام‌های دیگر و شمار آن نام‌ها در قرآن بدین قرار است:

«أَلْطَى» یک بار، «حُطْمَةُ» دو بار، «سَعِير» هشت بار، «سُعْر» دو بار، «سَقَر» چهار بار، آن هم در سوره‌های مکی، «جَحِيم» ۲۵ بار (۱۹ بار در سوره‌های مکی و ۶ بار در سوره‌های مدنی)، «هاوِیَّة» یک بار (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۶۵).

در مورد نام جحیم گفته شده که: جحیم «جَحْمَةُ» به معنای شدت برافروختگی آتش است و آتش بسیار برافروخته را «جحیم» گویند. (اصفهانی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۸۷).

سَعِیرا: «سَعْر» شعله‌ور شدن آتش است و «سَعِیر» فعلی به معنای مفعول، یعنی برافروخته شده. «السَّعْرُ فِي السُّوقِ»، بالا رفتن نرخ کالاها در بازار از باب تشبیه به شعله‌ور شدن آتش است. (همان، ص ۴۱۱).

«جحیم» به آتش قطور گفته می‌شود و «جهنم» به آتش عمیق. از این رو، چاه عمیق را «بئر جهنم» می‌گویند و جحیم، آتش کم عمق نیست؛ بلکه چاه بسیار عمیق است که همه محتوای آن شعله است. به هر روی، آن آتشی که در مراسم ابراهیم سوزی افروخته بودند، جحیم بود؛ صافات، آیه ۹۷، و گفته اند که طناب منجنیق خاکستر شد و همه آن ابزارها به صورت رماد درآمد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۲۹).

جهنم به عقیده همه ادیان، جایی است در جهان دیگر که بزه‌کاران را در آن جا به انواع عقوبت کیفر می‌دهند. دوزخ، در آیین زردشتی جایی است در جهان دیگر که در آن جا گناه‌کاران کیفر کارهای بد خود را می‌بینند و آن محلی است سخت عمیق، همچون چاهی بسیار تاریک و سرد، دارای دمه، تعفن و جانوران مودی که کوچک‌ترین آنها به بلندی کوه است و به تنبیه بدکاران مشغولند. آیین زردشت، برای دوزخ سه طبقه قائل شده است. روان گناه‌کار پس از رسیدن به سر پل چنوت (صراط) در گام اول به دُژمت (پندار بد)، در گام دوم به دُزوخت (گفتار بد) و در گام سوم به دُزورشت (کردار بد) داخل شود. سپس از این مهالک گذشته به فضای تیرگی بی‌پایان درآید و در آن جاسست «دوژنگه»، یعنی جهان زشت که در فارسی «دوزخ» شده است (دهخدا، ۱۳۲۴، ج ۱۲، ص ۱۷۰).

وامابا توجه به آیه ۱۹۶ و ۱۹۷ سوره آل عمران (لَا يَغْرُوكَ تَقْلُبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ، مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ) بردوزخ «مهاد» اطلاق شده است؛ بدین معنا که کافران با الحاد و دنیاپرستی، فرش و بستر خویش را آماده ساخته و آن را می‌گسترند. در صورت ملحوظ بودن معنای «راحت» در واژه «مهاد»، اطلاق آن بر دوزخ از باب تهکم و استهزا است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۷۴۲).

واما درخصوص واژه ی بهشت یاجنت که به فردوس هم معروف است آورده شده است که : «فردوس» واژه ای است فارسی و معنای اصلی آن سایبان و باغ «حظیره» و «حدیقه» است. فردوس جایگاه سعادت مردگان صالح است. یهودیان بین دو فردوس، فرق قایلند: فردوس علوی و آن بخشی از آسمان است، و فردوس سفلی و آن جایگاه اموات و خوبان است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۶۶).

بهشت در لغت ریشه اوستایی دارد و به معنای خوشتر، نیکوتر، جهان بهتر (فردوس، خلد، جنت)، جای خوش آب و هوا، فراوان نعمت و آراسته است که نیکوکاران پس از مرگ در آن جاودان باشند (دهخدا، ۱۳۲۴، ج ۳، ص ۴۴).

در رابطه بامعنی جنت آمده: معنای محوری همه مشتقات ماده «جن» پوشیدگی است؛ چنانکه «جنین» بر اثر پوشیدگی و مستور بودن در رحم مادر بدین نام موسوم شده است. «جنت» نیز باغی است پوشیده به درختان انبوه و درهم فرورفته، چنانکه اهل آن از انظار دیگران مستورند (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۱۳۰). واژه جنت از پوشیدگی و استتار حکایت می کند. مستور بودن بهشت گاهی به لحاظ اشجار لفیف و اغصان به هم تنیده و درهم فرو رفته آن است و گاهی به لحاظ منزلت و مقام مکنونی که دارد نزد عقل صاحب نظر یا قلب صاحب بصر معروف یا مشهود نیست (سوره سجده، آیه ۱۷). مهمترین نعمت حسی، مسکن، مطعم و منکح است که با اثبات اصل بهشت و خوراکیها و همسرها به این نعمتهای اصیل سه گانه اشاره شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۷۳۳). سرّ نامگذاری بهشت به جنت آن است که شاخساران درختانش درهم فرورفته و شاخه های درهم فرورفته و برگهای فراوان آنها مانند سقفی سبز رنگ زمین بهشت را می پوشاند. بنابراین، می توان گفت: از زیر این باغها نهرها جاری است و گرنه نهری که در زیرزمین جریان داشته باشد چه سودی برای باغ و چه بهره ای برای صاحب آن دارد. چه بسا آبهای زیرزمینی که زمین آن جز خشکی و صاحب آن جز فقر بهره ای ندارد.

به هر تقدیر، فضای بهشت پوشیده از درختان است و با این وجود فضای آن روشن است؛ زیرا نور بهشت از چشمه خورشید نیست، چون بساط خورشید و ماه در قیامت برچیده می شود: (سوره قیامت، آیه ۹) و در بهشت خورشیدی نیست: (سوره انسان، آیه ۱۳). بلکه سرچشمه نور همان جان پاک و نورانی مؤمنان آرمیده در آغوش نعمتهای بهشتی است: (سوره تحریم، آیه ۸). (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۶۸).

۲. مخلوق بودن بهشت و جهنم:

۲-۱. در آیات:

ممکن است این سؤال پیش آید که بهشت و جهنمی که برخی اوصاف و ویژگی های آن در قرآن و روایات بیان شده آیا اکنون آفریده شده اند یا در آینده آفریده می شوند، یا وعده ای است که معلوم نیست وفا شود؟

این پرسش از دیرباز ذهن دانشمندان را به خود مشغول کرده و در حوزه کلام مورد کاوش و احیاناً نقد قرار گرفته است.

محدث بزرگوار شیخ صدوق (رحمه الله) می گوید: «اعتقاد ما درباره بهشت و دوزخ این است که این دو آفریده شده

است و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگام معراج وارد بهشت شد و دوزخ را نیز مشاهده فرمود، اما بهشتی

که آدم (علیه السلام) در آن قرار داشت باغی از باغ‌های دنیا بود و خورشید در آن طلوع و غروب داشت و بهشت جاودان «خلد» نبود و گرنه از آن هیچ‌گاه بیرون نمی‌آمد.

متکلم عالی قدر شیخ مفید (رحمه الله) می‌گوید: «بهشت و دوزخ آفریده شده است. اخبار در این باره موجود است، و اجماع و اتفاق نیز مؤید مطلب است، ولی بیشتر معتزله و خوارج و گروهی از زیدیه با این قول مخالفند و می‌گویند آفرینش کنونی آن ممکن است، لیکن دلیلی بر آن نیست» (مفید، بی تا، ص ۱۴۱).

علامه مجلسی (رحمه الله) نیز می‌نویسد: «آفریده شدن کنونی بهشت و دوزخ را همه مسلمانان پذیرفته‌اند. تنها برخی از معتزله گفته‌اند: این دو در روز قیامت آفریده خواهند شد، در حالی که آیات قرآن و روایات یقینی سخن معتزلیان را دفع می‌کند» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۲۰۵).

قرآن درباره ذات اقدس اله، مرحله به مرحله گاهی با پرده و گاهی بی پرده سخن می‌گوید، گاهی از اصل هستی خدا و گاه از قرب او به نیايشگران: (نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ) (واقعۀ، آیه ۸۵)، و گاهی بی پرده به عنوان «شاهد بازاری» می‌فرماید: (وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ) (انفال، آیه ۲۴). قلب انسان، همان حقیقت انسان است. بنابراین، معنای آیه شریفه این است که خدا میان انسان و حقیقت وی فاصله می‌شود. همان گونه که قرآن کریم درباره ذات اقدس اله، نخست از اصل هستی و آنگاه از نزدیکی او، سپس از نزدیکتر بودن او به محتضر از دیگران، سخن به میان می‌آورد و بعد می‌فرماید: من به انسان از رگ گردن او نزدیکترم و بین انسان و حقیقت وی فاصله می‌شود، درباره بهشت و جهنم نیز گاهی از اصل وجود بهشت و جهنم سخن می‌گوید که بسیاری از آیات قرآن کریم ناظر به این بخش است. و گاهی از مظاهر و قرب و تجلّی و مانند آن بحث می‌کند. چنانکه بسیاری از آیات توحیدی ناظر به اصل وجود مبدء و نیز راجع به مظاهر الهی است. (جوادی آملی، (۹) ۱۳۸۷، ص ۱۷۰).

به طور فشرده می‌توان بیان قرآن کریم را درباره دوزخ و بهشت، چنین دسته بندی کرد:

۱ - بهشت و جهنم موجود است.

۲ - نه تنها در قیامت، بلکه هم اکنون نیز موجودند.

۳ - نه تنها بهشت و جهنم هم اکنون موجودند، بلکه به انسان نزدیکند.

۴ - نه تنها نزدیکند، بلکه از چیزهای دیگر به انسان نزدیکترند.

۵ - نه تنها به انسان از چیزهای دیگر نزدیکترند بلکه از رگ گردن او نیز نزدیکترند.

۶ - حقیقت انسان را بهشت و جهنم تشکیل می‌دهد و هم اکنون انسان در جهنم یا در بهشت به سر می‌برد.

البته همه این مراحل حق است، اما بسیاری از مردم در مرحله اول به سر می‌برند. برخی، گذشته از طی مرحله اول، به مرحله دوم می‌رسند. چون توده مردم چنین فکر می‌کنند که بهشت و جهنم در قیامت، یافت می‌شود، در حالی که از بیان نورانی امام رضا (علیه السلام) کاملاً برمی آید که: «از ما نیست یعنی آن فضیلت برتر را ندارد کسی که بگوید بهشت و جهنم هم اکنون مخلوق نیست، بلکه بهشت و جهنم هم اکنون مخلوقند» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳).

۵. عمده مطلبی که بر خلود کافران معاند و منافقان لدود دلالت می‌کند آیاتی است که در کنار عنوان خلود، واژه «أبداً» آمده است (نساء، آیه ۵۷). (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۳۸۶).

۱۲. معیار خلود در بهشت و دوزخ:

برای ورود افراد در بهشت و دوزخ و جاودانگی آنها در آنجا یک معیاری لازم است. معیار خلود در دوزخ این است که انسان (خواه یهودی یا مسیحی باشد یا در اسم مسلمان باشد) دست از گناه برندارد و خطایا همه هستی او را پر کرده باشد و سیاهی گناه، همه سفیدی قلبش را پوشانده باشد، چنین کسی که جایی از هویت او نیست که گناه در آن نفوذ نکرده باشد، در واقع موحد نیست و گرنه کسی که به گناه بزرگ آلوده باشد، ولی گناه بر او احاطه نکرده، یعنی عقیده او به توحید و اقرارش نسبت به وحی و رسالت محفوظ است در دوزخ مخلد نیست بلکه به مقدار معصیتش در آتش معذب می‌شود، سپس نجات می‌یابد. کسی خالد در عذاب است که در وجود خود جایی برای اعتقاد به توحید و... باقی نگذاشته و پرده گناه، همه هستی او را فرا گرفته باشد. قرآن از این گونه افراد که ستم مقوم هویت آنان شده به «ظالم» تعبیر می‌کند.

آیات میزان خلود در بهشت را ایمان و انجام همه کارهای خیر و شایسته، یعنی ترکیب «حسن فاعلی» و «حسن فعلی» می‌داند و در نتیجه اگر کسی ایمان نیاورد، ولی عمل صالح داشته باشد، یا عمل صالح نداشته باشد، ولی مؤمن باشد نمی‌تواند در بهشت مخلد شود. البته انسان مؤمن و معتقد که دارای برخی اعمال صالح است، اگر به بعضی معاصی مبتلا باشد، پس از تعذیب معادل عصیان، وارد

بهشت می‌شود و مخلد خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۳۳۷).

بنابراین، برای کافر بر اثر کفر که از بزرگترین گناهان کبیره است، پیوسته گناه ثبت می‌شود و گناه عملی کافر هم به گناهان اعتقادی او افزوده می‌شود.

«راز این که احاطه گناه سبب خلود در آتش می‌شود این است که همه هستی چنین انسانی را گناه فرا گرفته و راه نجاتش را بسته است، به گونه‌ای که اگر برای همیشه در دنیا بماند، از معصیت و شرک ناشی از آن دست نمی‌کشد و گرنه به صرف نیت کسی را مؤاخذه نمی‌کنند. صرف نیت گناه ممکن است از جهت فقهی منشأ اثر نباشد، لیکن از جهت کلامی بی‌اثر نیست. از این رو کاشف از سوءسیرت و قبح سیرت است و خداوند نیز همه اوصاف و آثار وجودی انسان را اعم از مستور و مشهور و سرّ و علن مورد محاسبه قرار می‌دهد در مقابل، برای مؤمن بر اثر عقیده توحیدیش دائماً ثواب نوشته می‌شود و اعمال نیک او بر آن ثوابها افزوده می‌شود و گرنه برای گناهان عملی خود مجازات می‌شود و سپس به بهشت می‌رود.

خلود در بهشت منافی سبق عذاب نیست: یعنی ممکن است مؤمن فاسق قبل از ورود به بهشت وارد دوزخ شود و بعد از تعذیب محدود از آن جا بیرون آید و وارد بهشت گردد و جاودانه در آن جا بماند. ولی حصر خلود در دوزخ برای مشرکان و کافران و منافقان حقیقی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۲۱).

۱۳. نبود مرگ در جهنم و تحریم بهشت بر کافر:

این پندار که ممکن است روزی آتش به کلی از بین برود و بساط دوزخ برچیده شود، با آیات خلود و مانند آن ناسازگار است، چراکه:

«اولاً چنان که گذشت ظاهر آیات فراوان، دوام و خلود است، ثانیاً حتی اگر «دوام» مستفاد از آن ظواهر، «مادامت النار» دانسته شود، چنانچه دلیلی اقامه شد که آتش دوزخ از بین رفتنی نیست، خلود قطعی خواهد بود. چنین دلیلی مستفاد از آیاتی است که ظاهر آنها این است که در جهنم، اجل و مرگ نیست. جهنمیان اجل مقضی ندارند و بر آنها مرگ قضا و حکم نمی‌شود. آنان نمی‌میرند و همواره زنده‌اند و چون ممکن نیست کافر زنده باشد اما عذاب نبیند و تخفیف و فتور و ضعفی نیز در عذاب نیست، جهنم هیچ‌گاه از بین نمی‌رود. این فرض نیز که کافر زنده باشد و وارد بهشت شود، با اصل تحریم بهشت بر کافران ناسازگار است یعنی همان‌گونه که دخول شتر در سوراخ سوزن ناممکن است ورود کافران به بهشت نیز ممکن نیست» (جوادی آملی، (۲) ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۴۲۹).

۱۴. بسته شدن درِ دوزخ:

ممکن است توهم شود که سرانجام روزی می‌رسد که کسی در دوزخ باقی نخواهد ماند. «حمران گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم شنیده‌ایم که روزی بر اهل دوزخ فرا می‌رسد که اهل آن پراکنده و درهای دوزخ را می‌بندند؟ فرمود: به خدا سوگند چنین نیست، بلکه جاودانگی جهنم ثابت و برقرار است. گفتم پس گروهی که استثنا شده اند چه کسانی هستند: (خالدین فیها مادامت السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبِّكَ) (هود، آیه ۱۰۷)، فرمود: اینان کسانی هستند که قابلیتِ رهایی از جهنم را پس از مدتی چشیدن عذاب را دارا بوده‌اند» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۳۴۶).

خلاصه اینکه خلود در جایی مطرح است که شخص، کافر یا منافق باشد و کفر یا نفاق، ملکه نفسانی و راسخ در روح او شده و حجت نیز درباره او تمام شده باشد تا هلاکت وی هلاکت پس از بینه باشد، و موحد مؤمن به خدا و نبوت و قیامت، اما گنهکار، که معاصی او در حد تمایلات و اعمال شهوت و غضب بوده و ملکه و وصف نفسانی روح او نشده تا امری ثابت باشد، هر قدر هم معصیت‌کار باشد مخلد در آتش نیست و هر چند معذب باشد سرانجام اهل نجات است. کسی که در بلاد کفر و جوامع الحادی به دنیا آمده و به اسلام و مسائل اسلامی دسترسی نداشته، زمانیکه جزو مستضعفان فکری به حساب می‌آمده و این ضعف فکری او را به کفر کشانده باشد، درباره او نیز جزمی به خلود نیست و وی در آیات الهی به خلود تهدید نشده است، بلکه نسبت به بعضی از آنها با شرایط خاص احتمال نجات مطرح است، هر چند به برخی از گناهان آلوده شده باشد. این‌گونه افراد جزو «مَرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ» هستند.

نتیجه گیری:

آنچه که از بررسی نظریه آیت الله جوادی آملی حول آیات و روایات در خصوص مسئله خلقت کنونی بهشت و جهنم، بدست می آید که هر دو آنها هم اکنون موجود بوده و آماده پذیرش اهل خود هستند. وجود بهشت و جهنم مخلوق، روحانی و جسمانی است برخلاف سایر متکلمانی که عده ای از آنها بهشت و جهنم را فقط جسمانی یا فقط روحانی تصور می کنند. در این جهان به دلیل تراحمات مختلف، نمی توان مکان بهشت و جهنم را در این دنیا و یا در آسمان آن در نظر گرفت. بهشت و دوزخ از محدوده زمانی و مکانی این جهان مادی خارج اند و در بعدی خارج از آسمان و زمین این دنیا دارند. وسعت جهان محدود به آسمان و زمین این دنیاست تا امکان وجود بهشت و جهنم جسمانی مورد تردید قرار گیرد. در پی روحانی و جسمانی بودن خود بهشت و جهنم، نعمت ها، لذا ید، آلام و ویژگی های آنها هم، روحانی و جسمانی خواهند بود.

از جمله این ویژگی ها: درجات و درکات، طبقات و ابواب، خوردنی ها و نوشیدنی ها و... را می توان نام برد.

باتوجه به بررسی ها باید گفت که درکات و درجات مؤمنان و تبه کاران در دنیا و آخرت متفاوت است و این تفاوت در آخرت بیش از آن چیزی است که در دنیا است مانند وجود خود دنیا نسبت به آخرت. تبه کاران در درکات به لقای قهرالهی و مؤمنان در درجات به لقای جمال الهی می رسند.

باتوجه به آنچه از طریق آیات و روایات رسیده، می توان در خصوص ابواب بهشت و جهنم گفت که برای بهشت هشت در، که هر کدام نام مخصوصی دارد و برای جهنم هم هفت در تعبیه شده است که از هر کدام اهل آن وارد می شوند. علت زیاده بودن ابواب بهشت نسبت به جهنم، به خاطر گستردگی رحمت رحمانیه خداوند است و اینکه درهای رحمت او بیش از غضبش می باشد. اگر انسان متخلق به اخلاق الهی گردد و مدارک خود را به تدبیر عقل بسپارد، هشت در بهشت بر روی او باز است و اگر این مدارک تحت هوس و خارج از حکم عقل باشند، هفت در جهنم به روی او گشوده می شود.

برای هر کدام از بهشت و جهنم، کلید دارانی است که به عنوان خازن آن دو معروفند. خازن بهشت به نام رضوان و خازن دوزخ، مالک نام دارد. در واقع خازن اصلی خداوند می باشد و مفتاح هر چیزی به دست اوست و کلید دار بودن بهشت و جهنم برای غیر بصورت بالعرض می باشد. فرد بهشتی به خاطر این که به مقام رضای الهی رسیده است، خود مالک بهشت و کلید دار آن است و این مقام خود مفتاح جنت است و اهل دوزخ هم مملوک جهنم هستند.

بعد از این بررسی های انجام شده و نتایج بدست آمده، در مقام مقایسه آنها با پژوهش های صورت گرفته در این مسئله، آنچه که به دست می آید این است که یافته های این تحقیق با بررسی موارد گوناگون و گسترده حول خلقت بهشت و جهنم بوده و محدود به چند مورد نیست. در حالی که نتایج مقاله های کار شده در این زمینه، بیشتر در مورد مقایسه این جهان و آخرت بوده و مسائل مربوط به آنها بسیار خلاصه می باشد.

منابع:

*قرآن

۱. نهج البلاغه، (۱۳۸۵)، محمددشتی، قم: الهادی.
۲. صحیفه سجادیه، (۱۳۸۵)، عباس عزیزی، قم: عترة.
۳. اصفهانی، راغب، (۱۴۲۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۴. جوادی آملی، عبدالاه، (۱۳۹۳)، ادب فنای مقربان، قم: اسراء، ۶ج.
۵. -----، (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، ۲۶ج.
۶. -----، (۱۳۸۳)، توحید در قرآن، قم: اسراء، ۲ج.
۷. -----، (۱۳۸۹)، سیره پیامبران، قم: اسراء، ۹ج.
۸. -----، (۱۳۸۶)، سرچشمه اندیشه، قم: اسراء، ۶ج.
۹. -----، (۱۳۸۶)، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم: اسراء.
۱۰. -----، (۱۳۸۷)، مبادی در قرآن، قم: اسراء.
۱۱. -----، (۱۳۸۷)، معاد در قرآن، قم: اسراء، ۵ج.
۱۲. حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ۵ج.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۲۴)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۶ ج رقی.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۵)، اصول کافی، (محمدباقر کمره ای)، قم: اسوه، ۵ج.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۳)، بحار الانوار، (ابوالحسن موسوی همدانی)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۱۰ ج.
۱۶. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز کتاب و لترجمه و النشر، ۱۴ج.
۱۷. مفید، محمد بن محمد، (بی تا)، وائیل المقالات فی المذاهب والمختارات، تهران: المؤتمر العالمی لانفیة الشیخ المفید.

